

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نذیر دلسوز
۲۶ اگست ۲۰۱۵

سخنی در مورد «Kabul Taxi»

در این اواخر سر و صدای زیادی در مورد «کابل تکسی» بالاگرفته ، قسمی که گپ و گفت در مورد این فیسبوک تا رادیوی خاقان سرمایه جهانی (BBC) هم رسیده و اتمر این جاسوس معلوم الحال و خاین ملی به اداره جاسوسی دولت دست نشانده امر شناسائی مسؤل آن را صادر کرده و در پی دستگیری وی بی تابی نشان می دهد .

حال ببینیم که سمت و سوی حرکت این « تاکسی » در کدام جهت است .

حس شریف و تکامل دهنده انسان ، یعنی کنجکاوی آرام نگذاشت واداشتم تا در راه های پرخم و پیچ انترنت و فیسبوک بگردم و بگردم باشد که این تاکسی معروف ساخته شده را از نزدیک ببینم . در حین جست و جو، نگاه کاوشگرم به روی نوار صفحات آن متمرکز شد . گاهی به کندی و زمانی هم به تندى صفحات آن را بالا و پائین کردم . سرانجام به روی عکس فرزند «قهرمان مسعود» درنگ کرد . بلی بر روی عکس کسی که پدرش از ردیف جنایتکاران جهادی چون کلبدین، سیاف، مزاری، محقق، خلیلی، آصف محسنی، ملا عمر، ربانی، عبدالله عبدالله، فهیم، دوستم و امثال شان یک گام هم عقب بوده نمی تواند .

«کابل تاکسی» این پسر ثروتمند را مظلوم وانمود می کند که گویا در حقش ظلم شده و به پول دولتی بورس تحصیلی نگرفته؛ والده صاحبه اش را آواره کشور هانشان می دهد و از شخص مسعود جنایت کار و خاین ملی به نیکویی یاد می کند و «فداکار» ش می خواند و می نویسد «چه کسی بیشتر از احمدشاه مسعود جهاد کرده است؟ اما وقتی پای امتیازگیری جهاد پیش بیاید کسی اصلاً خانواده مسعود به یادش نمی آید .»

بعد از مطالعه آن خواستم متن نوشته شده توسط گراننده «کابل تکسی» را در معرض دید و داوری دوستان و رفیق ها و سایر هموطنان داغدیده و زجر کشیده قرار دهم . تا برداشت آن عزیزان از سمت حرکت « کابل تکسی » چه باشد .

۲۵ اگست ۲۰۱۵

اینک نوشته مسؤل فیسبوک [Kabul Taxi](#) :

[Kabul Taxi](#)

« کابل تکسی امروز تن به انتقادهای بسیار داد. همه پرسیدند و نقد کردند که چرا غیر از مقامات افراد عادی جامعه را سوار تکسی نمی کنم یا در مورد شان نمی نویسم .

احمد مسعود؛ فرزند احمدشاه مسعود است. ۲۶ سال سن دارد و امروز از کینگز کالج لندن فارغ شد . احمد مسعود مثل محمود، کلبی و مقصود در گمنامی به ۲۶ سالگی رسیده است. احمد مسعود مثل زینب مزاری دختر بابیه مزاری مهاجر زیسته است .

سهام احمد مسعود از نام و ایثار پدر فقط انزوا، آوارگی و گمنامی بوده است . پس از مرگ مسعود، خانواده اش آواره ایران شد و احمد مسعود رفت تا دوران یتیمی اش را تحصیل کند .

احمدشاه مسعود در سخت ترین شرایط قومش را با کلاه چترالی اش حفظ کرد اما وقتی سر به خاک گذاشت همسنگران و برادرانش شروع به تجارت کردند و به قدرت رسیدند اما هیچ گاهی از خود شان نپرسیدند خانواده قهرمان چه شد؟ نه احمد ولی و نه ضیاء، نه عبدالله و نه هیچ کسی دیگر به فکر فرزندان یتیم احمدشاه مسعود نیفتاد .

اگر مسعود می دانست فداکاری های او بر سر فرزنداناش چه می آورد، شاید هرگز جهاد را فرماندهی نمی کرد . چه کسی بیشتر از احمدشاه مسعود جهاد کرده است؟ اما وقتی پای امتیازگیری جهاد پیش بیاید کسی اصلاً خانواده مسعود به یادش نمی آید .

مثلاً، زبیر مسعود پسر احمدضیاء مسعود ۲۶ ساله است. اما زبیر مشاور شورای امنیت ملی است، ولی کسی احمد مسعود را به یاد نمی آورد.

قهرمانی مسعود برای عبدالله آسایش فراهم کرد، برای ضیاء معاونیت ریاست جمهوری، برای زبیر مشاوریت شورای امنیت اما برای فرزنداناش گمنامی آورد .

دوستان احمدشاه مسعود فقط سال يك بار اشك تمساح می ریزند وقتی از قدرت دور شدند به یاد احمدشاه مسعود می افتند و سر و صدا می کنند .

احمد مسعود فارغ شد اما هیچ وقت بورسیه دولتی نگرفت و با زحمت خود به اینجا رسید. « .